

خبر

سردار شریف: اعضای شبکه «زم» در داخل کشور شناسایی شدند

● **سیاه‌نیزو:** سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: بخش عمده‌ای از اعضای شبکه زم شناسایی شده‌اند و دسترسی نسبتاً مطمئنی به عوامل داخلی کمک‌کننده به این شبکه ضدانقلاب و سرویس‌های خارجی حامی آن وجود دارد.سخنگوی سپاه با اشاره به کمانه‌زنی‌ها و مباحث مطرح‌شده در روزهای اخیر درباره افراد مرتبط با سرشبکه کانال معاند آمدنیزو، گفت: با توجه به اینکه فرایند رصد و کنترل اطلاعاتی این عنصر مزور در مدت طولانی صورت گرفته است، بخش عمده‌ای از اعضای شبکه زم شناسایی شده‌اند و دسترسی نسبتاً مطمئنی به عوامل داخلی کمک‌کننده به این شبکه ضدانقلاب و سرویس‌های خارجی حامی آن وجود دارد و نیاز چندانی به اعترافات مرسوم ازسوی نامبرده نیست.سردار شریف عنوان کرد: بדיهی است مرتبطان و حامیان این کانال ضدانقلاب که متحمل ضربه سهمکین و سختی از سپاه شده‌اند، توک پیکان تهاجم خود را به‌سمت مسئولان سازمان اطلاعات سپاه قرار دهند و در تلاش‌اند افکار عمومی را از عملکرد این شبکه ضدانقلاب و ضدنظام و مردم منحرف کنند، اما دروغ‌پردازی‌ها و ایجاد سناریوهای فرعی خللی در روند پیگیری و اطلاع‌رسانی دقیق این پرونده ایجاد نخواهد کرد.سخنگوی سپاه کارکرد کانال ضدانقلاب آمدنیزو را ناامن‌سازی افکار و اذهان مردم، ایجاد اختلاف بین ارکان مختلف نظام و شبهه‌افکنی درباره کارآمدی نهاده‌ها و بخش‌های مختلف عنوان و تأکید کرد: سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه نخواهد داد این عملیات بزرگ و افتخارآمیز با تلاش‌های شوم و مذبحوحانه عده‌ای، فرصتی برای اختلاف در اقشار جامعه ایجاد کند.

ادامه از صفحه ۵

پارامتر ارزیابی بانک‌ها از اعتبار افتاد

او اضافه می‌کند: این مسئله کاری پیچیده و سخت است و من می‌دانم که همکارانم در بانک مرکزی تلاش بسیاری می‌کنند، اما نمی‌توانند بی‌توجه به پارامترهای اقتصاد کلان برنامه‌ریزی کنند، بنابراین بانک‌ها از نظر کفایت سرمایه به‌خاطر مسائل اقتصادی کشور روزبه‌روز تضعیف می‌شوند و بانک مرکزی هم علی‌الوصول هیچ اقدام موثری از دستش برنمی‌آید؛ فقط باید از سهام‌داران بانک‌ها بخواهد که افزایش سرمایه بدهند. حسینی‌هاشمی بانک مرکزی را به این موضوع بی‌توجه ارزیابی می‌کند و می‌گوید بانک مرکزی در انجام وظیفه خود در این حیطه تسامح به خرج داده و اقداماتش در این زمینه محدود به ابلاغ تعدادی بخش‌نامه و دستور بوده است. درحالی‌که بانک مرکزی باید مهلتی بدهد تا بانک‌ها اصلاحات اصلی ساختاری را به‌ویژه در بخش سرمایه و دارایی‌ها انجام دهند، بعد از آن می‌تواند بانک‌ها را رتبه‌بندی کند. در این حالت ممکن است حتی بانک مرکزی مجبور شود به برخی بانک‌ها عدم فعالیت بدهد یا حتی آنها را ادغام کند و ...

راه‌حل مشکل ادغام‌است؟

یکی از راه‌هایی که ممکن است برای دفع خطر ورشکستگی و پابین‌بودن نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها به نظر مناسب برسد، ادغام است. حسینی‌هاشمی دراین‌باره می‌گوید: ادغام یکی از راه‌هاست و راه خوبی هم هست، اما نمی‌توان گفت بهترین راه است، چراکه ممکن است ادغام بانکی با کفایت سرمایه پایین در بانکی که از این نظر موفق است، بانک موفق را هم تحت‌تأثیر قرار دهد و ترکیب سرمایه و ساختار مالی آن بانک را خراب کند، بنابراین باید سنجد گاهی ممکن است راه فروختن دارایی مازاد باشد. بانکی موفق است که شانس نقدشدن دارایی‌هایش بیشتر باشد. بدهی بانک‌ها عندالمطالبه است. اگر دارایی‌های فیزیکی نقد شوند، قادرند ساختار مالی بانک‌ها را بهبود ببخشند. بانک مرکزی باید این را با بانک‌ها بخواهد،بنابراین بانک مرکزی باید تحلیل کند و مثل یک پزشک دردهای هر بانک را با نسخه خاص خودش درمان کند و موجب اصلاح ساختار شود. نمی‌توان به راحتی گفت راه‌حل ادغام یا کم‌کردن شعب یا افزایش سرمایه و... است، بلکه باید تحلیل انجام گیرد، چراکه هرکدام در جای خود ممکن است کارساز باشند.

مهرشاد ایمانی: گفتمان فرهنگی و اندیشه‌ای جریان دوم خرداد سال ۷۶ توانست در وهله نخست برای مردم و خاصه نسل جوان و طبقه متوسط بانمایی ویژه‌ای از مفهوم توسعه سیاسی داشته باشد و در وهله دوم به بازتعریف خواسته‌های مردمی بپردازد که می‌خواستند فضایی متفاوت از سال‌های ابتدایی انقلاب را تجربه کنند. شاید به دلیل چنین گفتمانی بود که محمد خاتمی-به‌عنوان پرچمدار تحول‌خواهی نسبی و رفرف- توانست با اکثریت بالای آرا در برابر علی‌اکبر ناطق‌نوری پیروز انتخابات شود.

این روند که برخی از آن با عنوان شکل‌گیری یک «جریان» اجتماعی یاد می‌کنند، دیری نپایید که با «دولت» اصلاحات قائل به مناسبات رسمی سیاسی شد. در این میان دو نظریه وجود دارد؛ برخی می‌گویند اصلاح‌طلبان نباید جریان‌بودن اصلاحات را به مناسبات رسمی تقلیل می‌دادند و حیات و ممات اصلاحات را در کسب کرسی‌های قدرت می‌پنداشتند و برخی دیگر باور دارند که اساساً آن جریان ایجاد شد که دولت شکل بگیرد و دولت با قدرت فائقه توانست بسپاری از نواقص را اصلاح و تا حدی ساختارهای کارآمدی ایجاد کند. البته این گزاره هم خالی از وجه نیست زیرا در اواخر دهه ۷۰ دولت اصلاحات با همکاری مجلس اصلاح‌طلب ششم توانست بسیاری از قوانین اصلاح‌گرایانه را به تصویب برساند که نتایجش هنوز هم قابل لمس است اما در مقابل، کاهش خواسته‌های رفرمیستی جریان اصلاحات و تعیین سقف با قواعد دولتی انتقادی است که در بحث تبدیل جریان اصلاحات به دولت اصلاحات مطرح است.

روز گذشته احمد زیدآبادی با مصطفی تاجزاده مناظره‌ای با محوریت این موضوع در دفتر سایت خبری-تحلیلی انصاف‌نیزو برگزار کردند. زیدآبادی درباره این موضوع گفت که «با ورود به قدرت سیاسی، جنبش اجتماعی آرامی که از زمان جنگ در کشور شکل گرفته بود، وارد منازعات قدرت شد و از مسیر خود خارج شد» اما مصطفی تاجزاده معتقد است «با حضور اصلاح‌طلبان در قدرت، جنبش‌های اجتماعی توانستند عرصه برای فعالیت و گاهی بیشتر پیدا کنند و گسترش زیادی بیابند».

زیدآبادی باور دارد که در دوم خرداد ۷۶، حرکت مدنی که به صورت ملایم از دوران جنگ در سطح جامعه ایجاد شده بود و روز به روز در حال تضج‌گیری و رشد بود و می‌توانست موجب تقویت جایگاه جامعه برابر نهاد قدرت شود و توازنی ایجاد کند، یکباره «با سیاسی‌شدن مابهنگام، تبدیل به چیزی شد که بعدها جنبش اصلاحات نام گرفت و با قدرت دچار چالش و تضاد شد. در نتیجه حرکتی اجتماعی که می‌توانست باعث تقویت پایدار جامعه مدنی شود، در منازعات قدرت تضعیف شد و جریان اصلاحات و رهبرانش هم نتوانستند از منافع حضور در قدرت استفاده‌ای ببرند.

زیدآبادی باور دارد که جریان فعلی اصلاحات عاملیت ندارد و حتی نمی‌تواند برای کناررفتن از انتخابات تصمیم‌گیری کند. نقش آن به پیش‌مرگ جناح مقابل تخفیف پیدا کرده است. آنان هرجا به مشکلی برمی‌خورند، اصلاح‌طلبان می‌روند و مشکل را حل می‌کنند.

تاجزاده در برابر این انتقادها گفت که خود



زیدآبادی و ملی-مذهبی‌ها که وارد قدرت نشدند، چه دستاوردی داشتند؟ در حالی که افرادی مانند خاتمی یا مصدق بعد از اینکه به قدرت رسیدند، توانستند سرمایه اجتماعی خود را به اندازه‌ای گسترش دهند که امروز خاتمی با یک جمله می‌تواند نتیجه انتخابات را تغییر دهد.

تاجزاده باور دارد که صرف حضور در قدرت، اصلاح‌طلبان را تضعیف نکرد، بلکه اشتباهات باعث تضعیف آنها شد. در حالی که حضور در قدرت فرصت تشکیلات‌سازی و تقویت سرمایه اجتماعی را برای آنان فراهم کرد.

زیدآبادی در پاسخ به تاجزاده گفت منظورش این نیست که هر کسی در قدرت مشارکت داشته است، ناپود شده و دیگران موفق هستند؛ «مسئله این است که با حضور در قدرت توانسته‌ایم به اهداف خود برسیم؟ از انقلاب مشروطه به این طرف همواره نیروهای تحول‌خواه کشور چشم به حضور در قدرت داشته‌اند، همین که امروز معتقدیم کشور در توسعه موفق نبوده است، نمی‌توان نگاه به قدرت را مشکل دانست؟».

زیدآبادی راه اصلاح جامعه را تقویت جامعه مدنی در برابر دولت دانست و گفت حضور در قدرت بدون داشتن جامعه مدنی قوی اشتباه است.

محمدرضا تاجیک هم چندی پیش در گفت‌وگو با «شرق» درباره این موضوع نظر خود را چنین بیان کرده بود: «بی‌تردید نمی‌توان گفت جریان اصلاحات که ماهیت مدنی و اجتماعی‌اش مقدم بر ماهیت سیاسی‌اش بود، توسط عده‌ای سیاست‌باز شکل گرفت بلکه آن جریان در مسیر تاریخ بالنده شد، اما عده‌ای آمدند و کلیت اصلاحات را به نفع خود مصادره کردند، بی‌آنکه برای حفظ این میراث گران‌بها تلاش کنند؛ آنها هیچ‌گاه نخواستند که جریان اصلاحات را بر پایه‌های یک گفتمان هژمونیک استوار کنند و درون آن مفصل‌بندی انجام دهند. با تئوریزه‌نشدن اصلاحات،

سیاست

دیدگاه‌های تاجزاده، تاجیک، ثقفی وزیدآبادی

بودن و نبودن در قدرت



فضایی گنج‌وگنگ پدید آمد و همه‌چیز در بازی سیاست خلاصه شد و اصلاح‌طلبان از گفتمان‌سازی بازماندند و اصلاحات در پوسته‌های تاریک و چاه ویل سیاست گرفتار شد. تمام این عوامل زمینه‌های دفن جریان اصلاحات را فراهم کرد و آنچه از آن باقی ماند، روحیه قدرت‌طلب عده‌ای بود که خود را فعالان عرصه اصلاح‌طلبی معرفی می‌کردند».

برخلاف آنچه تاجیک و زیدآبادی باور دارند، مراد ثقفی معتقد است «جنبش اصلاحات» اتفاقاً باید به «دولت» می‌رسید. او چند ماه پیش در پاسخ به پرسشی دراین‌باره به «شرق» چنین گفت: «تا ابد که نمی‌توان مملکتی را در حالت جنبشی اداره کرد. نتیجه‌اش همان چیزی می‌شود که در دوران احمد نژاد تجربه کردیم، روشن است که باید دولت ساخت. علاوه بر اینها آقای خاتمی دستاوردهای مهمی در حوزه اندیشه سیاسی برای ما باقی گذاشت. وقتی به تاریخ ایران نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که برخورد با مخالف عمدتاً رایج بوده است. آقای خاتمی در برابر چنین موضوعی به‌شدت ایستاد؛ مثلاً با اینکه این‌همه از فضایل امیرکبیر می‌گویند، او هم مخالفان خود را می‌کشت. آقای خاتمی در شرایط جنبشی گذر کند و به‌واسطه سیاست انتخاباتی، دولت را تقویت کند. مخالفان آقای خاتمی در سال ۸۰ وقتی به سیاست‌های او انتقاد می‌کردند، چه سیاسی را روی میز گذاشتند؟ یا همین حالا وقتی از دوران او انتقاد می‌کنیم که حتما هم نقدپذیر است، چه سازوکار ثمربخشی را پیشنهاد می‌دهیم؟».

او در پاسخ به این طرح موضوع که «اگر جنبش مطلقاً تبدیل به دولت نمی‌شد و اصلاحات خود را مفید به مناسبات رسمی سیاسی نمی‌کرد، می‌توانست گفتمان فرهنگی و اندیشه‌ای خود را ادامه دهد؛ اما با دولت‌شدن نیروهای اصلاح‌طلب هدفشان صرفاً معطوف به صندوق‌های رای شد و از گفتمان‌سازی غافل شدند»، چنین ابراز عقیده کرد: «آقای موسوی

در مقطعی می‌گفت وضعیت به‌گونه‌ای است که دیگر نمی‌توان کارها را فقط از طریق نهادهای رسمی پیش برد و باید از سازوکارهای دیگری کمک گرفت که منظورش همان سیاست جنبشی بود. من حرف شما را با این تعبیر مهندس موسوی می‌فهمم؛ اما باید هر فردی و دوره‌ای را با ارزش‌های درونی خودش نقد کرد و سپس به‌دنبال نقد بیرونی رفت؛ وگرنه گفت‌وگویی صورت نمی‌گیرد و ما مدام تک‌گویی می‌کنیم. برای آقای خاتمی حفظ گفتمان اصلاحی باید با سیاست انتخاباتی اقدام می‌شد و تثبیت سیاست انتخاباتی برایش واجب واجبات بود. آقای حجازی‌می گفت خاتمی توانست فشار از پایین را مدیریت کند، حرف شما هم همین است که آقای خاتمی از عهده ساماندهی فشار از پایین برنیامد؛ اما من می‌گویم او اصلاً به فکر ساماندهی این موضوع نبود. دو تعریف در اصلاح‌طلبی وجود دارد؛ نخست فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا و دوم اینکه اصلاح‌طلبی آن چیزی است که فاصله دوقطبی‌بودن جامعه را کم کند. سیاست فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا دوقطبی‌بودن جامعه را افزایش می‌دهد؛ اما سیاست اصلاحی آقای خاتمی مبتنی بر کاهش تنش‌های موجود در جامعه بود».

افزون بر آنچه گفته شد می‌توان یکی دیگر از موانع تحقق اهداف جریان اصلاحات را شخص‌محور دانست؛ به این معنی که فارغ از دو اندیشه مذکور از مقطعی به بعد برخی کنشگری اصلاح‌طلبانه را صرفاً به حضور خود در کرسی‌های قدرت محدود کردند، بی‌آنکه نه در پی تحقق منویات اجرایی دولت اصلاحات باشند و نه آنکه مترصد استمرار جریان اصلاحات باشند. دیگر آنکه فقدان راهبرد سیاسی یا به تعبیری دیگر مانیفست اصلاح‌هم در فراموشی اهداف جریان دوم خرداد بی‌تأثیر نبود. هرچند علیرضا بهشتی اساساً شکل‌گیری جریان دوم خرداد را نتیجه یک گفتمان منسجم نمی‌داند: «باید بپذیریم که جنبش دوم خرداد ماحصل یک تفکر منسجم، سازمان‌دهی‌شده و تبیین‌شده نبود و فقط به طرح ایده‌هایی مانند آزادی، مدارا با مردم، ضرورت گفت‌وگو و اهمیت توسعه فرهنگی و سیاسی می‌پرداخت؛ بنابراین نمی‌توان گفت مردم به چه رای دادند، باید گفت مردم به چه رای ندادند. جنبش دوم خرداد نتیجه این رویکرد بود؛ از سوی دیگر توجه داشته باشید که پیش از انتخابات سال ۷۶ یک جریان فراگیر با عنوان اصلاحات وجود نداشت و با پیروزی آقای خاتمی در انتخابات این عنوان رایج شد؛ پیش از آن، تنها کانون‌های اصلاح‌طلبی مشاهده می‌شد؛ کانون‌هایی که در عین اعتقاد به اصل نظام، خواستار اصلاحات درون‌ساختاری و قانونی بودند».

حتی اگر قائل به این نظریه هم نبود که جریان اصلاحات از ابتدا هم گفتمانی نداشت اما می‌توان گفت اگر گفتمان این جریان در خلال خواسته‌های نسل جدید تبیین شد و با هدایت کنشگران سیاسی پیش رفت، اما از مقطعی به بعد مطلقاً در بازسازی اندیشه‌ای تلاش خاصی صورت نگرفت. به‌هرروی آنچه اکنون با عنوان «اصلاحات» شناخته می‌شود، چندان معلوم نیست که با جریان ابتدایی اصلاحات در دهه ۹۰ چه مناسباتی دارد و شاید برای رفع این مهم نگارش یک مانیفست روشن ضروری به نظر برسد.

اقناع افکار عمومی

عارف با تأکید بر ضرورت اقناع افکار عمومی درباره تصمیمات شورای‌عالی اصلاح‌طلبان تصریح کرد: «مطمئن‌نظر مردم و حامیان گفتمان اصلاحات برای شورای‌عالی اصلاح‌طلبان مهم است؛ به‌همین‌دلیل همه تصمیماتی که در شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان گرفته می‌شود، باید دربرگیرنده نظرات حامیان گفتمان اصلاح‌طلبی باشد». او با اشاره به نقش رابطان استان‌ها در شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان تأکید کرد که رابطان صرفاً نقش حلقه واسط بین استان‌ها و شورای‌عالی اصلاح‌طلبان را دارند و محوریت شورای اصلاح‌طلبان در استان‌ها یک اصل است و همه تصمیمات باید تا حد امکان به صورت اجماعی گرفته شود.

کاهش مشارکت عمومی با ایجاد تک‌صدایی

رئیس فراکسیون امید با اشاره به انتخابات مجلس یازدهم از همه دست‌اندرکاران این انتخابات خواست به گونه‌ای رفتار کنند که یک جریان سیاسی از حضور در انتخابات محروم شود؛ چراکه تجربه نشان داده تک‌صدایی در انتخابات باعث کاهش مشارکت در انتخابات می‌شود که برای نظام مطلوب نیست و انتظار از همه دست‌اندرکاران انتخابات رعایت مُر قانون است. عارف تأکید کرد: «نهادهای مسئول در کشور اعم از نهادهای امنیتی، اجرایی، قضائی و نظارتی باید تمام تلاش‌شان مبتنی بر مشارکت حداکثری مردم در انتخابات باشد و رفتارهایی که تلقی تسویه‌حساب‌های جریان‌ی شود، به‌هیچ‌وجه به صلاح نظام نیست و باید از آن به‌شدت پرهیز کرد». او با بیان اینکه اصلاح‌طلبان خواهان مشارکت جدی در انتخابات هستند، گفت: «تلاش می‌کنیم که تا آخر آبان ضوابط تهیه لیست انتخاباتی را اعلام کنیم».

آینه

ایران

افسوس می‌خورم از یک سو:تفاهم ۱۰ساله

● **کیانوش عیاری:** ... یک دهه توقیف می‌تواند باعث یک دلشکستگی عمیق و طولانی شود. ولی به‌رحال نتیجه‌اش به اتفاق مثنی منجر شده است. البته امیدوارم فیلم «خانه پدری» مشمول گذر زمان نشده باشد؛ واقعاً امیدوارم! حس امروز من ترکیبی است از خوشحالی، نگرانی و طبیعتاً افسوس؛ افسوس از سو:تفاهمی که فیلم را یک دهه گرفتار توقیف کرد... خوشبختانه در مدیریت فعلی تصمیم گرفته شد مسیر دیگری پی گرفته شود و «خانه‌پدري» – که با تأکید، توقیف آن را حاصل سو:تفاهم می‌دانم – به نمایش عمومی دربیاید. اما الان این تصمیم را دیگر یک تصمیم شجاعانه تعبیر نمی‌کنم. اسمنش را می‌گذارم کنار گذاشتن تنگ‌نظری‌ها و امیدوارم محدود به «خانه‌پدري» و چند فیلم قبل از آن نباشد و در آینده هم شاهد توقیف هیچ فیلمی نباشیم. تجربه بدون استثنا ثابت کرده هر فیلم توقیف‌شده‌ای، چه کوتاه و چه بلند، وقتی به نمایش عمومی درمی‌آید آب از آب تکان نمی‌خورد؛ نه ایجاد دلواپسی می‌کند و نه این توان و قدرت را دارد که مثلاً بخواهد علیه کشور عمل کند. اندکی دقت روی این مساله کافی است تا مطمئن شویم دیگر هیچ فیلمی نباید توقیف شود. بازشدن این حصار نه‌تنها برای فیلمساز، بلکه برای کل جامعه، ایجاد دلخوشی می‌کند.



انسداد در عناصر گفتمان اصلاحات

● **سیدعبدالله متولیان:** ... در شرایط موجود که انسداد گفتمانی اصلاح‌طلبان از هر زمان دیگر مشهودتر است، قطعاً برجسته‌سازی موضوعات و مسائل فرعی و کم‌اهمیت، شایع‌سازی، آلوده‌کردن افکار عمومی و پی‌گرفتن ادبیات پوپولیستی نظیر رفراندوم برای انتخاب: «تسلیم‌غرب‌شدن» و یا «مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی غرب» با پوشش دروغین و مردم‌فریب «تعامل/تقابل» دردی از آنان دوا نکرده و به انزواي بیش‌تر اصلاح‌طلبان خواهد انجامید بر این اساس، توصیه اکید و خیرخواهانه به زعما و عقلاي این اردوگاه این است که «اصلاحات برای ماندن به انقلاب جامع در اصلاحات نیاز دارد» و این انقلاب در بازگشت به گفتمان انقلاب اسلامی است و شجاعانه‌ترین و عقلمانه‌ترین کار این است که در کام دوم انقلاب، با اتخاذ تصمیم‌گیری و بزرگ، گفتمان‌سازی از مرگ حتمی نجات داده و با تطبیق با گفتمان اصلی انقلاب اسلامی به عنوان خرده‌گفتمان درون نظام با تأکید بر عناصر گفتمانی انقلاب اسلامی به راه خود ادامه دهند.

ویژه‌تقاریر

نقطه آغاز اصلاح اقتصادی

● سرآغاز اصلاحات اقتصادی کجا باید باشد؟ حتی اگر فرض شود، سیاست‌گذار اراده سیاسی برای ازسرگیری اصلاحات را به خرج دهد، کدام بخش از اقتصاد را برای جراحی انتخاب کند؟ از اصلاحات بودجه شروع کند یا از استقلال بانک مرکزی؟ از مقررات‌زادایی یا خصوصی‌سازی؟... بررسی تجربه کشورهای دنیا نشان می‌دهد اصلاحات اقتصادی در ۳ حیطه مختلف شروع می‌شوند. «بوروکراسی‌زدایی شامل کاهش حجم دولت و اصلاحات بودجه»، «آزادسازی شامل مقررات‌زدایی، آزادسازی تجاری و استقلال نهادهای پولی» و در نهایت «خصوصی‌سازی». واکاوی تجربه‌های جهانی حکایت از آن دارد که اگرچه نقطه آغاز اصلاحات الزاماً یکسان نیست، اما فصل مشترک همه کشورها تکمیل «یکج کامل» ی از اصلاحات بوده که وضعیت رفاهی کشورها را به سمت نقطه مطلوب هدایت کرده است. گرجستان اصلاحات را از آزادسازی و مقررات‌زدایی با تکیه بر بهبود شاخص سهولت کسب‌وکار آغاز کرد.

گیتان

این دو گروه از خواص

- محمدهادی صحرایی:** ... آیکاش تنها یک نفر از

کسانی که در عرصه ملی معتقد به «تقابل مستمر با جهان» است نام برده می‌شد. آیا غیر از این است که رهبران نظام و بدنه مؤسّس و نیروهای انقلابی، همگی و یکصدا معتقد به تعامل سازنده با همه دنیا به غیر از رژیم کودک‌خوار صهیون‌اند؟ اصلاً انتقاد اصلی منتقدان مطلوب و به دولت تدبیر و امید، به‌خاطر انفعال به جای تعامل سازنده است و اجرای یکطرفه برجام از سوی ایران در مقابل کارشکنی و حیلۀ آمریکا و اروپا را مخالف تعامل سازنده می‌داند که باعث خروج آمریکا شد و اروپا را به فکر شرم‌آور اینستکس انداخت. برجام کوه نبود، ریزه‌سنسکی بود که زیر آبی لایبرال‌ها و اصلاح‌طلبان و کاسپیان افتاد و بُرد محاسباتی‌شان را عیان نمود و حاکی از حسرتی شد که ریشه در «مذاکره با کذخدا» برای مذاکره با کذخدا» دارد. بمب هم نبود، قوطی خالی بود که ۶ سال، برخی را مشغول کرد و از انجام وظیفه واداشت. واقعتاً این است که نجبکان و منتقدین پالرمو و امثال FATF، دنبال هدایت و کمک به دولت و مجلس برای برقراری تعامل سازنده با دنیا هستند و همگی به همان اندازه که از تقابل مستمر با جهان تافهر دارند از وادادگی در مقابل قدرت‌های رو به زوال که به نام جهان معرفی می‌شوند تفر دارند.